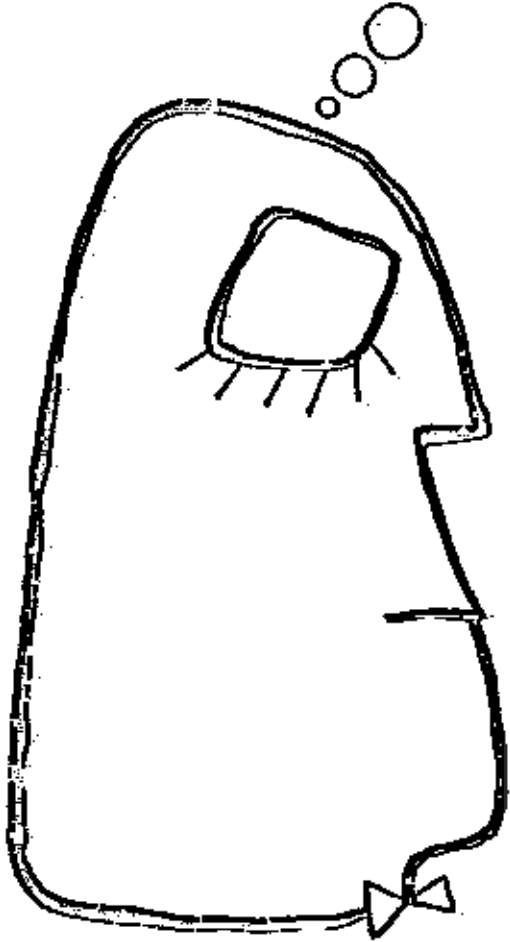


ماهیه به امکان شناخت استعاره را اندر می‌بوی (باز به کار بستن) آن می‌اندیشیم. بخش اعظم رایج‌ترین تفکرات ما محصول فرآیند سامان یافته ک سترده و ناگفته مفاهیم استعاری است یعنی مفاهیمی که از قلمرو نو عاظمی تفکر سر بر می‌آورند و به منظور درک قلمروی کاملاً متفاوت به کار می‌روند این مفاهیم غالباً در زبان روزمره منعکس می‌شوند ولی چالب‌ترین اثرشان در استدلال متداول نمایان می‌گردد زیرا بسیاری از استدلال‌های اجتماعی و سیاسی ما از این فرآیند سامان یافته مفاهیم استعاری بهره می‌گیرند و درک مناسب حتی بیش از اندازه‌ترین تفکرات اجتماعی و سیاسی نیز نیازمند درک این فرآیند سامان یافته است و این حال اگر بشکیم که این فرآیند سامان یافته وجود دارد آن گاه آن را کاملاً درک خواهیم کرد و مسجور تأثیراتش نخواهیم شد.

لیبرال‌ها مراد محافظه کاران را در نمی‌بینند و از همین روی محافظه کاران آنان را به حق سرزنش می‌کنند لیبرال‌ها در نمی‌بینند که هواداران «حق زندگی» که مخالف (قانون) سقط جنین است، چگونه می‌توانند از قانون «مجازات مرگ» حمایت کنند و در همان حال با کاهش میزان مرگ و میر تسوزان از راه برنامه‌های مراقبتی پیش از بارداری مخالفت ورزند آنان در نمی‌یابند که چرا محافظه کاران به هنگام تنظیم بودجه از تخصیص اعتبار در بخش هزینه‌های عمومی برای ساخت زندان حتی به منظور نگاهداری مجرمانی که مرتکب جرائم جنایی نشده‌اند امتناع می‌کنند یا این که چرا آنان مایلند پول کلانی صرف کنند تا کودکان را از مادران شان جدا سازند و در پرورشگاهها بگذرانند آن هم به بهانه پاسداری از ارزش های خانواده آنان در نمی‌یابند که چرا محافظه کاران در مسئله‌های جمعی خشونت را به یاد فتقادی می‌گیرند و در همان حال از حق مالکیت سلاح گرم پشتیبانی می‌کنند لیبرال‌ها نمی‌خواهند متعلق محافظه کاری را دریابند آنان در نمی‌یابند که مواضع محافظه کاران بر پایه کدام سیستم اخلاقی است یا ارزش های خانواده کی محافظه کاران در میان دیگر سبب ستعاری آنان چه جایگاهی دارد دلیل این امر در اصل آن است که لیبرال‌ها ساختار تفکر استعاری را که عمل می‌یابند و معناداری و نتیجه کامل ارزش های محافظه کاران است در نمی‌یابند به منظور دریافتن ماهیت استعاری که محافظه کاران در هر صدها است به کار می‌برند نخست باید به سراغ آن بخش از سیستم استعاراتمان برویم که در ایجاد مفهوم اخلاقی استفاده می‌شود سیستمی که از چندین استعاره ساخته شده است



مفاهیم استعاری

استعارات اخلاقی محافظه کاران

محافظه کاران و نیز لیبرال‌ها بسیاری از مفاهیم استعاری اخلاقی را که در سیستم‌های مفهومی ما وجود دارند به کار می‌برند ولی اهمیت آن استعارات در نظر محافظه کاران یکسان نیست و این یکسان نبودن سبب شکل گیری سیستم‌های اخلاقی کاملاً متفاوتی می‌شود مهم‌ترین استعاره سیستم اخلاقی محافظه کاران استعاره «قدرت اخلاقی» است این استعاره پیچیده است و دارای پیش فرض‌هایی است:

- خوب بودن بالا بودن است
- بد بودن پایین بودن است
- جمله‌هایی چون: «نوش هروندی است که روی پایش نه‌ستاده است» او از تردید بی‌شرف بالا می‌رود ارزش آن کار پایین است او زیر دست است او آتش زیر خاکستر است» نمونه‌هایی از چگونگی کاربرد این استعاره در زبان است بنابراین جایگاه اقسام شریفانه نه قلمرو اخلاقی (بالا بودن) بلکه قلمرو غیر اخلاقی (پایین بودن) است به همین دلیل:
- اقدام شریفانه پایین آمدن (با پایین افتادن) است
- البته مشهورترین مثال (پایین آمدن یا پایین افتادن) هبوط انسان از بهشت است که فرطش محروم شدن وی از عنایت الهی بود بخش عمده استعاره قدرت اخلاقی ناگزیر با مفهوم غیر اخلاقی یا شر سروکار دارد شرفیرویی درونی یا بیرونی قلمداد می‌شود که می‌تواند سبب سقوط شما گردد یعنی کاری کند تا مرتکب اعمال غیر اخلاقی شوید
- شرف قدرت است (خواه درونی، خواه بیرونی)
- به این معنی که منظور بالا رفتن باید به اندازه کافی قوی بود تا بتواند بر برابر شرف ایستد» به همین دلیل مفهوم اخلاقی مراقب قدرت در نظر گرفته می‌شود مراقب بر خورداری از هوش اخلاقی «یا هرگاه» برای ایستادگی در برابر شرف
- اخلاقی قدرت است
- اما مردم هرگز قوی زنده نمی‌شوند و قدرت اخلاقی را باید به وجود آورد در صورت همان طور که به هنگام ایجاد قدرت جسمانی خوب شدن درونی و چشم‌پوشی از راحت خود نبرده رنج گنج میسر نمی‌شود ضروری است قدرت اخلاقی نیز یا خوب شدن درونی و

سبب زایش کنگره لیبرال‌ها محافظه کاران

استعارات اخلاقی و رفتاری
در نظام اجتماعی و اقتصادی

چشم‌پوشی از راحت خود به دورش ایجاد می‌شود

- 1- از راه خوب شدن درونی کافی به منظور آگاهی از مسئولیت‌های خود و رویارویی با دشواری‌های موجود
- 2- از راه چشم‌پوشی از راحت خود (فداکاری) و خوب شدن درونی بیشتر به گونه‌ای فداانه

خلاصه آن که استعاره «قدرت اخلاقی» مجموعه‌ای است از تعالیم، میان قلمروهای اخلاقی و جسمانی:

- خوب بودن بالا بودن است
- بد بودن پایین بودن است
- اقدام شریفانه پایین افتادن است
- شرف قدرت است (خواه درونی، خواه بیرونی)
- اخلاقی قدرت است

یکی از نتایج این استعاره این است که تنبیه به نفع شعاعه زیرا پر بودن مسیرهای دشوار سبب ایجاد قدرت اخلاقی است. به همین دلیل گفته‌اند «هر که را بگذرد و بچه را سوسن کن» بر پایه منطبق این استعاره ضعف اخلاقی فی نفسه شکلی از غیر اخلاقی است استدلال این است شخصی که اخلاقاً ضعیف است احتمالاً (در ورطه ننگین یعنی) سقوط می‌کند و گرفتار شر می‌شود قدرت اخلاقی دو گونه است و بستگی دارد به این که نسبی که یا آن رویاری می‌شود بیرونی است یا درونی. شجاعت قدرت ایستادن در برابر شرور خارجی و غلبه کردن بر ترس و دشواری است بخش اعظم استعاره قدرت اخلاقی به شرف درونی مربوط می‌شود و در

این موارد است که از خوب شدن درونی سخن به میان می‌آید آن چه باید قوی شود لایحه انسان است او باید قدرت اراده را افزایش دهد تا مهار جسم را که جایگاه هیجان و میل قلمداد می‌شود به دست گیرد. امیال معمولاً (میل) به ثروت شهوت غنله آسایش شهرت و چیزهایی که افراد دیگر دارند در این استعاره «سوسنه» قلمداد می‌شوند یعنی همان شرفی که خوب شدن درونی انسان را تهدید می‌کنند خوب شر درونی دیگری قلمداد می‌شود که باید بر آن چیره شد زیرا آن نیز خوب شدن درونی را تهدید می‌کند نقطه مقابل خوب شدن درونی «بیرون» است مفهومی که تنها زمانی معنا می‌دهد که انسان استعاره قدرت اخلاقی را بپذیرد زیاده‌روی در این استعاره شرف قلمداد می‌شود در حالی که صرف‌مجویی و فداکاری فضیلت است. آرزو شهوت تنبلی، پر خوری، نخوت، حسادت و خشم هفت گناه مرگبارند که باید بر آن‌ها چیره شد این استعاره قدرت اخلاقی است که از آن‌ها گفته می‌شود. بزرگ مهریانی مهار شهوت سخت‌گوشی، فروتنی، رعایت از سر نوشت خود و آرامش فضایل استعاره قدرت اخلاقی است که از آن‌ها «فضیلت» می‌سازد

این استعاره استازاماتی مهم دارند

- چنانچه در دو قلمرو خیر و شر تقسیم می‌شود
- به هنگام رویارویی با شر (ایستادگی در برابر شر) باید به منظور خوب شدن اخلاقاً قوی بود
- انسان با خوب شدن درونی و فداکاری اخلاقاً قوی می‌شود

کسی که اخلاقاً ضعیف است نمی تواند در برابر شر بایستد و بنابراین عاقبت مرتکب اعمال شرورانه می شود.
بنابر این ضعف اخلاقی شکلی از غیر اخلاقی است.
چهارمین عدم تسلط بر خویش (نبود خویشتر درای) و زیاد هروی (سر بازی زدن از فداکاری) اشکال غیر اخلاقی اند.
به ترتیب قدرت اخلاقی دو جنبه بسیار متفاوت دارد نخست آن که اگر قرار است در برابر شرارت بیرونی معینی ایستادگی کنیم قدرت اخلاقی لازم است دوم آن که قدرت اخلاقی خود گونه ای از شر یعنی نبود خویشتر درای و سر بازی زدن از فداکاری را تعریف می کند به دیگر سخن، قدرت اخلاقی اشکال گوناگون در درونی را تعریف می کند البته گمانی که قدرت اخلاقی را مقدم می دانند آن را گونه ای آرمان گرایی در شمار می آورند بر پایه استعاره قدرت اخلاقی چپن، چنگ خیر علیه نیروهای شر پنهان می شود که باید شدیداً با آن ها پیکار کرد به این ترتیب رفتار بی رحمانه تحت لوای پیکار خیر علیه شر موجه قلمداد می شود افزون بر این، این استعاره مستلزم آن است که آدمی نمی تواند دیدگاه دشمنان را بپذیرد شر شایسته احترام نیست بهر است با آن به نبرد برخیزد.

استعاره قدرت اخلاقی، دوگانگی کامل همه آن ها را مطرح می کند این استعاره که «اخلاق» قدرت است، شر را نیرویی قلمداد می کند که قدرت اخلاقی باید با آن روبرو شود. باید با شر پیکار کرد شما با شر مدد ملی نمی کنید و حقیقتی ذاتی به شر نسبت نمی دهید فقط با آن پیکار می کنید قدرت اخلاقی به گونه ای مهم، شکلی از دنیاگرایی را مطرح می سازد شما باید خویشتر در و فداکار باشید تا اخلاقاً قوی شوید در غیر این صورت اسراف کلید و این ضعف اخلاقی عاقبت به نیروهای شر کمک می کند به نظر محافظه کاران، استعاره قدرت اخلاقی مقدم بر دیگر استعارات است.

یکی از نتایج مهم رجحان استعاره قدرت اخلاقی (بر دیگر استعارات) این است که این استعاره بر همه تفاسیری که بر بنیاد اجتماعی یا طبقه اجتماعی استوارند سایه می افکند اگر همزه بتوان با خویشتر داری از مواد مخدر یا رابطه ج سی دوری کرد و به آن ها تن نداد آن گاه تا کسی در انجام دادن این کار یقیناً بر آید کاهلی است، طبقه اجتماعی و نیروهای اجتماعی نمی تواند فقر یا اعتیاد یا فرزندان نامشروع را توجه کند اگر نتوان رفتار را تسخیر کرد، آن گاه بر پایه استعاره قدرت اخلاقی، آن فرد غیر اخلاقی است و معجزات او هر چه باشد حق است استعاره قدرت اخلاقی در خلاف محقق نمی شود این استعاره شبیه دیگر استعارات مشترک اخلاق است که در جهان بینی محافظه کاران مهمند در این جا قهرستی از این استعارات اراده می شود.

ارزش های اخلاقی

در این جا اصل حرکت قلمداد می شود و عمل اخلاقی جنبشی است در درون مرزهای از پیش تعیین شده یا در مسیری از پیش تعیین شده افراد غیر اخلاقی کسانی اند که مرزها را زیر پا می گذارند یا از این مسیر خارج می شوند منطق این استعاره این است که کسانی که مرزها را زیر پا می گذارند یا از این مسیر خارج می شوند برای جامعه خطرناکند نه تنها از آن روی که می توانند دیگران را گمراه سازند بلکه از آن روی که مسیرهایی تازه برای پیدایش می آفرینند پس نگاهبانی از مرزهای شفاف از پیش تعیین شده و پذیرفته شده درست و غلط در جامعه ضرور است.

امر جمعیت اخلاقی

مرجعیت اخلاقی به نحوی استعاره ای از مرجعیت والدین الگو می گیرد هنگامی که والدین بهترین چیرها را برای فرزندان جوان شان می خواهند و می دانند چه چیزی برای او بهترین است اخلاق اطاعت است.

درست همان طور که فرزند خوب از والدینش اطاعت می کند انسان اخلاقی از مرجعیت اخلاقی اطاعت می کند که می تواند نوشته (مثلاً تعجیل یا قرآن) نهاد یا رهبر باشد.

سرشت اخلاقی

درست همان طور که لئور مدلی بر ساخته جوهرهایی هستند که ویژگی های آن ها را تعیین می کنند (مثلاً چوب می سوزد، سنگ نمی سوزد) آدمیان نیز واجد ذات قلمداد می شوند (شخصیت) که تعیین کننده چگونگی رفتار اخلاقی آنان خواهد بود. خصایل خوب ذاتی، فضیلت نامیده می شوند و خصایل بد ذاتی، شرارت، هنگامی که در باره کسی سخن می گوئیم که عقلی چون آینه دارد یا «شرده شیشه ندارد» یا «جنسش خراب است» از استعاره ذات اخلاقی استفاده می کنیم.

سلامت اخلاقی

درست همان طور که موزها با دیدن انسان تان را از راه دور نگاه داشتن شان از فراد بسیار، حفظ کنید و وظیفه دارید تا با دور نگاه داشتن شان از فراد غیر اخلاقی، از آنان در برابر ابتلا به غیر اخلاق

محافظت کنید این جزء منطقی نهفته در پس اختلاف طبقاتی، شکل گیری محله های بالا و پایین شهر و دستور العمل های تعیین مجازات سخت برای مجرمانی است که دست به جنایت زده اند از آن جا که پانگی و تمیزی سلامت را ترویج می کنند اخلاقی پاک و سز قلمداد می شود.

کلیت اخلاقی

ما از انسان «منحط» نابودی معیارهای اخلاقی، «فرورفتگی» ارزش های اخلاقی، «شکستن» یا «در هم ریختن» ساختار اخلاقی سخن می گوئیم کلیت، مستلزم وحدت ساختاری جسمی است که به قدرت کمک می کند.

پس کلیت اخلاقی با قدرت اخلاقی پیوند دارد ما می توانیم این استعارات را عملاً در جهان بینی محافظه کاران، در خطبه های شان و به ویژه در سیاست اجتماعی شان ببینیم سخن مشهور محافظه کاران که «کسی که سه بار اعتصاب کند قانون را نقض خواهد کرد» بازتاب استعاره سرشت اخلاقی است رفتار مجرمانه مکرر نه آن از ذاتی دارد که «جنسش خراب است» اگر سرشتشان غیر اخلاقی است آن گاه به انجام دادن اعمال غیر اخلاقی که می توان آن ها را حتی پیش از وقوع پیش بینی کرد ادامه خواهید داد ممکن است چنین ضماید که شما را به سبب جرایمی که به گونه ای استعاری پیش بینی شده اند به ۲۵ سال زندان یا حبس بد محکوم کرده اند ولی اگر به ذات اخلاقی معتقد باشید آن گاه در می یابید که این اقدام صرفاً برای محافظت از جامعه است استعارات ارزش های اخلاقی سلامت اخلاقی و کلیت اخلاقی را می توان آشکارا در دیدگاه های محافظه کاران درباره سکس نمایی و آثار هنری که صراحتاً سکس بهره می گیرند دید سکس نمایی را باید فدای کردن تا از صراحت رفتار غیر اخلاقی جلوگیری شود (سلامت اخلاقی) اگر سکس نمایی مجاز باشد آن گاه راه های تازه رفتار جنسی را انتخاب خواهد کرد و راهها و مرزهای کهن و آشکاری که درست و غلط را تعریف می کنند وضوح شان را از دست می دهند (حدود اخلاقی) آثار هنری که صراحتاً سکس می پرزاندند آشکارا در برابر ارزش های سنتی جنسی می ایستند و آن ارزش ها را به سوی «ترم گسیختگی» و «رابودی» سوق می دهند کلیت اخلاقی در واقع رفتار ناپسندیده همه این استعارات اخلاقی را به چالش می کشد و نیز استعاره مرجعیت اخلاقی را که بر پایه آن رفتار ناپسندیده ناظر می است.

بر پایه استعارات چند فرهنگ گرایی غیر اخلاقی است چرا که تکرر دیدگاهها و دربار رفتار اخلاقی مجاز می دهند به این بیان، چند فرهنگ گرایی تمایز خیر اش را که محصول قدرت اخلاقی است نقض می کند و راهها و حد و مرزهای اخلاقی دقیقاً تعریف شده را زیر پا می گذارد. مراجع متعدد هر گونه مرجعیت اخلاقی واحد را منکر می کنند و چندگانگی معیارها کلیت اخلاقی را نقض می کنند این مجموعه از استعارات - که آن را «تنبهات قدرت» می نامیم - صرفاً اولویت های ارزش های اخلاقی محافظه کاران است.

استعاره دیگری وجود دارد که در خدمت این اولویتهاست استعاره خویشتر خواهی اخلاقی استعاره مزبور بر پایه روایات مشهور اصول اقتصادی آدم اسمیت استوار است اگر هر شخصی بکوشد تا دارایی اش را افزایش دهد آن گاه به گونه ای شگفت انگیز، دلاری همگان افزایش خواهد یافت یا توسل به این استعاره که رفاه ثروت است می گوئیم: اگر هر شخصی تلاش کند بر رفاهش بیفزاید آن گاه رفاه همگان افزایش خواهد یافت این استعاره پیگیری مداوم خویشتر خواهی را حاد اعلامی اخلاق قلمداد می کند بر پایه تفکر محافظه کارانه خود انکاپی (هدگی) که قدرت اخلاقی آن را تعریف می کند از راه بی گیری منظم و مداوم خویشتر خواهی به دست می آید در اصطلاحات استعاری، انباشت استعارات قدرت هدف اخلاقی را تعریف می کند و خویشتر خواهی اخلاقی ابزارهای رسیدن به آن هدف را در محافظه کاری می نامیم. عکس این مطلب صادق است در آن جا خویشتر خواهی رو به افزایش هدف است و ارزش های محافظه کارانه (که انباشت اخلاقی آن ها را تعریف کرده است) ابزارند به این ترتیب تمایز محافظه کاری افراطی و مبالغه و عمل اصلی (تفاوت) اولویتها است. محافظه کاران افراطی اخلاق گرا هستند و استعارات اخلاقی محافظه کارانه را از جمع می شمارند و تداوم خویشتر خواهی را ابزار طبیعی دستیابی به ارزش های اخلاقی محافظه کارانه می دانند. محافظه کاران میانه رو را گمراه می گردانند و به چنان اخلاق گرا و ارزش های اخلاقی محافظه کارانه را ابزار طبیعی دست یابی به هدف پراگماتیک افزایش خویشتر خواهی می دانند یک لحظه فکر کنید که بر پایه این سیستم اخلاقی شهرت نمونه کیست او کسی است که از راه خویشتر داری و تداوم خویشتر خواهی متکی به خود شده است معنای این سخن آن است که مرصان توانگر و صاحبان شرکت های موفق از دیدگاه محافظه کاران

شهر و ندان نمونه اند محافظه کاران، به منظور تشویق و ترغیب این شهر و ندان نمونه از اعمال قانون کاهش مالیات به نفع آنان پشتیبانی می کنند و با قوانین زیست محیطی و دیگر قوانینی که صادره آنان است مخالفت می کنند گذشته از همه این ها از آن جا که صاحبان شرکت های بزرگ شهر و ندان نمونه ندانند طبقی نفریم که از آنان بترسیم.

خانواده

در این مرحله پرسشی بجا مطرح می شود چه چیزی مجموعه استعارات اخلاقی محافظه کاران را ایجاد می کند؟ چرا آن استعارات باید با یکدیگر سازگار باشند؟ پاسخ به گونه ای شگفت انگیز، خانواده است. محافظه کاران الگویی آرمانی از آن چه خانواده باید باشد ارائه می کنند و من با عنوان «الگوی پدر کامل» به آن اشاره خواهیم کرد. خانواده ای سنتی را تصور کنید که در آن پدر مسئولیت اصلی رفاه خفه و آبرو عهده دارد و مادر مسئولیت روزانه مراقبت از خانه و جزئیات رشد بچه ها را بر عهده دارد پدر مسئول اصلی تعیین سیاست کلی خانواده است و وظیفه مادر پشتیبانی از پدر و کمک کردن به تحقق دیدگاه های پدر درباره آن چه باید انجام شود است. این است که مادر به دیدگاه های پدر احترام بگذارد و از آن ها پشتیبانی کند.

زندگی اساساً دشوار قلمداد می شود و جهان اساساً خطرناک است نیروی در جهان است و وظیفه پدر پشتیبانی از خانواده است و محافظت از آن در برابر شرور است هم شرور خارجی و هم شرور داخلی دشمنان، دشواری ها و وسوسه ها، شرور خارجی اند شرور داخلی به شکل آرزوهای مهار نشده ظهور می کنند و به اندازه شرور خارجی تهدید کننده اند پدر ارزش هایی را به جسم می سازد که در تعیین مسیر انسان در جهان و پشتیبانی از خانواده لازمند او اخلاقاً نیرومند، خویشتر دگر، مقتصد، خوش خلق و آرام له شد او با اعتقاد به معیارهای متعالی، سر مشق اعضای خانواده می شود او بر مرجعیت اخلاقی اش تأکید می کند خواهان حرف شنوی است و هنگامی که امرش را اطاعت نمی یابند می خندد که چگونه متعاقبانه و عادلانه تلافی کند حفاظت کردن و پشتیبانی کردن از خانواده و وظیفه ایست و او معتقد است که نهیث ثمره قدرت است.

پدر کامل شش رابطه پرورش (فرزندش) را فراهم می کند و با پشتیبانی و حفاظت از آنان و با تعیین تقویت مرزهای دقیق اخلاقی و با نهادینه ساختن خودی شان در خود انکاپی (در فرزندش) از راه کار سخت و فداکاری که درست همان قدر مهمند جلب تنگی اش را به خاطر انداختن لایز می کند از دیدگاه پدرواقعی، سخت گیری گونه ای است از پرورش و عشق - عشق استوار - پدر کامل در ابزار علاقه و احساس اساسی می ورزد و ترجیح می دهد صلابت اش را حفظ کند او به منظور ابزار همدردی با کسانی که به اندازه او خوش اقبال ترند و به شکرانه بخت خویش به موسسات خیریه کمک می کند هنگامی که فرزندش بزرگ می شوند - هنگامی که آنان خویشتر دار و متکی به خود می شوند - آنان نیازمند یاری دیگری نیستند و کامیابی و ناکامی شان تاگزیر در دست خودشان است او در زندگی شان دخالت نمی کند درست همان طور که او سعی خواهد مرجعیت بیرونی در زندگی اش دخالت کند این الگو از زندگی (که غالباً با عنوان الگوی پدر مسالارانه به آن اشاره می کنند) آن چیزی است که استعارات اخلاقی محافظه کاران راه می بینند می دهند گرچه بسیاری از ویژگی های این الگو در میان فرهنگها گسترده است شرط عدم مداخله این که فرزندانش رشد یافته نیازمند یاری دیگران نیستند و والدین مجاز نیستند در زندگی شان دخالت کنند - یک ویژگی آمریکایی است و ویژگی خاص محافظه کاری آمریکایی، یعنی بیزاری از دولت را تبیین می کند. محافظه کاران از حکومتی سخن می گویند که در زندگی مردم دخالت می کند و به اندازه والدین مداخله گر سبب آزردگی مردم می شود یا وجود این واقعیت که الگوهای پدر کامل خانواده در سراسر جهان وجود دارند این جنبه از الگوی پدر کامل ظاهر منحصر آمریکایی است. فی الحقیقت بر پایه الگوی پدر کامل خانواده در اسپانیا یا ایتالیا یا فرانسه یا چین از فرزندانش بالغ توقع ندارند خانه را ترک کنند و به راه خود بروند و به والدین توصیه می کنند که نقش اصلی را در هدایت زندگی فرزندان ایفا نکنند همچنین سیاست محافظه کاران در این کشورها مستلزم رجعت شدید از دخالت دولت نیست. محوریت الگوی پدر کامل در سیاست محافظه کاران، نگرش های آنان درباره امنیت، سقط جنین، هم جنس یازی و نظارت بر حق مالکیت اسلحه را نیز تشریح می کند. موضع محافظه کاران درباره سقط جنین بر این است نگرش آنان درباره زنان است که از الگوی خانواده کامل سرچشمه می گیرد.

یکی از نتایج مهم رجحان استعاره قدرت اخلاقی (بر دیگر استعارات) این است که این استعاره بر همه تفاسیری که بر بنیاد اجتماعی یا طبقه اجتماعی استوارند سایه می افکند.



فهم این مطلب که مخالفت محافظه کاران با سقوط چنین مسرفا احترام نهادن به حیات نیست مهم است. اگر چنین بود محافظه کاران از مجازات مرگ حمایت نمی کردند. همچنین موضوع حمایت از کودکان بی گناهی که در انتظار تولدند نیز در کفر نیست. اگر چه من بوده محافظه کاران می کوشیدند با پیش خیمایی از برنامه های مراقبتی پیش از بارداری از میزان مرگ و میر نوزادان بکاهند. این واقعیت که محافظه کاران با این برنامه ها مخالفت می کنند به این معناست که آنان به هیچ روی حامی حق

زندگی همه (نوزادان) تولد یافته هستند. در عوض، دلیل پیچیده و خدش نماینده ولی ناگفته مخالفت محافظه کاران با سقط چنین ناسازگاری آن با اخلاق پدر کامل است.

حمایت از اخلاق (اخلاق) پدر کامل سبب حمایت محافظه کاران از ارتش و دستگاه قضایی نیرومند می شود. و نیز سبب مخالفت با نظارت بر حمل سلاح گرم، زیرا وظیفه پدر کامل حمایت از خانواده اش در برابر مجرمان است و از آن جا که نیه کاران تفنگ دارند و نیز باید قادر باشند از سلاح گرم استفاده کنند زیرا قرار است ست وظیفه حمایت از خانواده را در برابر انحرافی که به آن آسیب خواهند رساند انجام دهد. اگر چه انجمن ملی تفنگ از شکار بسیار سخن می گوید سخنان محافظه کاران نشان می دهد که انگیزه اصلی مخالفت با نظارت بر حمل سلاح گرم سخن گفتن در باره حمایت از خانواده است.

استعاره ملت چونان خانواده
آن چه اخلاق خانواده بنیاد پدر کامل را با سیاست پیوند می دهد، استعاره ای است که میلی محافظه کاران و لیبرال ها مشترک است. یعنی

استعاره ملت چونان خانواده که بر اساس آن ملت خانواده ای قلمداد می شود که دولت در آن نقش والدین را ایفا می کند و شهروندان فرزندان این خانواده اند. این استعاره اخلاق خانواده بنیاد راه اخلاق سیاسی بی تبدیل می کند و ارزش های خانوادگی محافظه کاران را با تغییر می دهد. سی محافظه کاران پیوند می دهد. انگوی پدر کامل که به استعارات اخلاقی محافظه کاران انجام می بخشد. آن چیزی است که موضوع سیاسی گوناگون محافظه کاران را هنگامی که از راه استعاره ملت چونان خانواده بر زندگی سیاسی تحلیل می شود، روند به صورت کلیتی منجمد می آورد. انگوی پدر کامل خانواده استعاره ای است که از آن به وجود می آید و استعاره ملت چونان خانواده مشترک مجموعه موضوع سیاسی محافظه کاران را توجیه می کند. انگوی پدر کامل خانواده توضیح می دهد که چرا مخالفت با حفاظت از محیط زیست یا پشتیبانی از افزایش توان نظامی، حق زندگی با حق مالکیت سلاح گرم و میهن پرستی با بیزاری از دولت سازگار است. نیاز به این گونه توضیحات در میانش سیاسی معمول نیست. همه مفسران سیاسی کاملا آموخته تا فهرست احتمالی را بپذیرند. محافظه کاران حامی انگفند مخالفه خواهان و غیره و پالین حال هر از گامی تلاش شده است تا (چگونگی پیوستگی این خواستها و مخالفتها) توضیح دهند و همه کوشش هایی که من از آن ها با خیرم ناکام ماندند. مثلا ویلیامیت محافظه کاری را چنین تعریف می کند: محافظه کاری آن گونه که من می فهمم می کوشد از بهترین ویژگی های گذشته محافظت کند. محافظه کاری نقش مهم سنی، نهادها، عادات و مرجعیت را در زندگی اجتماعی ما کاملا درک می کند و نهادهای ملی ما را محصول اصولی می داند که عرف درسی های تجربه و اجماع، آن ها را طی زمان در وجود آورده اند. محافظه کاری، همچنین بر پایه این باور استوار است که نظم اجتماعی بر شاخصهای اخلاقی بنا شده است.

این تعریف توضیح نمی دهد که کدام ویژگی های گذشته بهترین قلمداد شوند (یقینانه آدم سوزی یا کار کودکان یا برده داری) یا نظم اجتماعی بر کدام شاخصه اخلاقی بنا شده است. همچنین توضیح نمی دهد که چرا نهادها، حتی مانند مدارس عمومی حفظ نمی شوند. همچنین دیدگاههای محافظه کاران را در مواردی که اجماع وجود ندارد (مانند سقط جنین) توضیح نمی دهد.

لیبرالیسم
ساز و کارهای مفهومی که آن ها را دقیقاً توصیف کرده ام، مانند اغلب سیستم های مفهومی ما بسیار ناگهانه است. ولی درک محافظه کاران از شاخصه سیاست شان بسیار بیشتر از لیبرال ها است. محافظه کاران در می یابند که اخلاق و خانواده در کلون سیاست شان جای دارند. همان طور که انسان در کلون بیشتر سیاستها قرار دارند. آن چه ما به ندرت حتی است این است که لیبرال ها هنوز به این سطح از بحثی سیاسی فرسوده اند. سیاست لیبرال ها نیز بر محور اخلاق خانواده بنیاد می گردد. ولی

لیبرال ها از ساز و کارهای ناگهانه ای که سیاست شان را می سازد بسیار کمتر از محافظه کاران باخبرند. در حالی که محافظه کاران در می یابند که همه سیاست های شان متشابهی واحد و یک پارچه دارند. لیبرال ها جهان مفاهیم سیاسی شان را چنان می فهمند که هنوز آن را ثمره اختلاف علایق محافظ قلمداد می کنند. در حالی که محافظه کاران با تمام قوا از فرهنگ لیبرال انتقاد می کنند. لیبرال ها بر حسب مسائل سطحی محلی مانند حقوق گروه های قومی، تبعیض، حقوق هم جنس گرایان، گرایش به حفظ محیط زیست، حق سقط جنین، بی ختمان هلد مرگت های بهداشتی، تعلیم و تربیت، مسائل هنری و غیره به گروه های مجزا تقسیم شده اند. این ناکامی در دیدن تصویری از سیاست لیبرال سبب ایجاد انگوی دو پارچه ای شده و به محافظه کاران اجازه داده است تا از ستر انزوی جدا و فاتی بهره گیرند (ولی) این تصور درست نیست زیرا جهان بیضی ای است که زیر بنای تفکر لیبرال است. البته تفکری که به اندازه جهان بینی محافظه کاران یکپارچه نیست.

اخلاق خانواده بنیادی که ساختار تفکر لیبرال را شکل می دهد با اخلاق پدر کامل، کلاماً مخالف است. این اخلاق حول محور انگوی پدر یا ملخ، مریی خانواده می شود. انگوی پدر یا ملخ مریی (به این معناست که) در خانواده یکی از والدین یا هر دو آنان حضور دارند. بطور کلی بهتر است هر دو در خانواده حضور داشته باشند ولی این امر همیشه ممکن نیست. تجربه محیوب بودن و مراقبت شدن، میل به تعاملات عاشقانه حتی المقصور شده زینستن و معنادر دانستن اجتماع و دوست داشتن دیگران و مراقبت از آنان، تجربه احساس بی نفقته در پس این انگواست. آموختن هستی شان را در هویتگی های عمیق شان متجلی می سازند و با آن ها شناخته می شود. زندگی با پیوندهای مثبت شان یا یکدیگر با کمک های شان به اجتماع و باروشن هایی که به مدد آن ها استعدا نشان را می پرورند و از زندگی گنت می برند. کلز، لیزز، تحقق این اهداف است و با کار است که این صور معنایی تحقق می یابند. تحقق این صور معنایی نیازمند قدرت و خویشن داری است که با پشتیبانی پیوسته از کسانی که شما را دوست می دارند و از شما مراقبت می کنند و دلبستگی به آنان، در وجود می آید. حفاظت گونه ای از مراقبت است و حفاظت در برابر خطرهای بیرونی بخشی مهم از وظیفه پدر یا ملخ مریی است. جهان سرشار از ضروری است که ممکن است به فرزند آسیب برساند و وظیفه پدر و ملخ مریی دفع کردن آن ها است. البته بزرگاری و مواد مخدر مهمانده ولی خطرهایی هستند که کمتر به چشم می آید. سیگار، راننده های پسون کمر بند ایمنی، اسباب بازی های خطرناک، پوشش های قابل اشتعال، سوداگری بی وجدان، و غیره. حفاظت از فرزندان معصوم و بیبنا در برابر این ضرور بخش می عمده از وظیفه پدر یا ملخ مریی است. فرزندان با نربوبت خویشن داری را می آموزند. مراقبت از خویشن دست و پنجه نرم کردن با خطراتی های موجود پذیرفتن مسئولیت دیگران و معیق ساختن استعدا نشان را همچنین خود پروری را می آموزند. ارزش ذاتی پیوند عاطفی با دیگران ارزش ذاتی بلاستی، تحصیل، هنر، مهنسرت یا جهان طبیعی و توانایی مراقبت از خویشن و افزون بر یادگیری خویشن داری که لازمه مسئولیت پذیری و خود پروری است. بر خود پروری از دوران کودکی، آموختن پرورش فوه تخمیل و شادمانی عمیق (نیز) برای فرزندان مهم است.

استعاره «ملت چونان خانواده»
اخلاق خانواده بنیاد
ز پایه اخلاق سیاسی تبدیل می کند و ارزش های خانوادگی محافظه کاران را با تغییر سیاسی پیوند می دهد.

می سازند و با آن ها شناخته می شود. زندگی با پیوندهای مثبت شان یا یکدیگر با کمک های شان به اجتماع و باروشن هایی که به مدد آن ها استعدا نشان را می پرورند و از زندگی گنت می برند. کلز، لیزز، تحقق این اهداف است و با کار است که این صور معنایی تحقق می یابند. تحقق این صور معنایی نیازمند قدرت و خویشن داری است که با پشتیبانی پیوسته از کسانی که شما را دوست می دارند و از شما مراقبت می کنند و دلبستگی به آنان، در وجود می آید. حفاظت گونه ای از مراقبت است و حفاظت در برابر خطرهای بیرونی بخشی مهم از وظیفه پدر یا ملخ مریی است. جهان سرشار از ضروری است که ممکن است به فرزند آسیب برساند و وظیفه پدر و ملخ مریی دفع کردن آن ها است. البته بزرگاری و مواد مخدر مهمانده ولی خطرهایی هستند که کمتر به چشم می آید. سیگار، راننده های پسون کمر بند ایمنی، اسباب بازی های خطرناک، پوشش های قابل اشتعال، سوداگری بی وجدان، و غیره. حفاظت از فرزندان معصوم و بیبنا در برابر این ضرور بخش می عمده از وظیفه پدر یا ملخ مریی است. فرزندان با نربوبت خویشن داری را می آموزند. مراقبت از خویشن دست و پنجه نرم کردن با خطراتی های موجود پذیرفتن مسئولیت دیگران و معیق ساختن استعدا نشان را همچنین خود پروری را می آموزند. ارزش ذاتی پیوند عاطفی با دیگران ارزش ذاتی بلاستی، تحصیل، هنر، مهنسرت یا جهان طبیعی و توانایی مراقبت از خویشن و افزون بر یادگیری خویشن داری که لازمه مسئولیت پذیری و خود پروری است. بر خود پروری از دوران کودکی، آموختن پرورش فوه تخمیل و شادمانی عمیق (نیز) برای فرزندان مهم است.

استعارات اخلاقی لیبرال ها
این انگوی خانواده مجموعه ای بسیار متفاوت از اوئیت های اخلاقی رایج وجود می آورد که مجموعه ای دیگر از استعارات اخلاقی امکان توصیف آن را در دل در این استعارات عبرت نه:

اخلاق چونان همدلی: همدلی خود به گونه ای استعاری، احساس آن چه شخصی دیگر احساس می کند قلمداد می شود. ما می توانیم بر آن امر را در زبان همدلی ببینیم. می توانم خودم را جای شما بگذارم. می دانم چه احساس می دارید. وضع شما را درک می کنم. عمل اخلاقی را عمل همدانه دانستن، چیزی است. پیش از پایداری صرف به قانون طلایی، ما دیگران چنان رفتار کن که دوست درای با تو رفتار کنند. قانون طلایی در نظر نمی گیرد که ممکن است دیگران ارزش هایی داشته باشند که با ارزش های شما متفاوت است.

اخلاق چونان تربیت: تربیت همدلی را پیش فرض می گیرد. کودک ناتوان است و شما به منظور نشان دادن دلبستگی تان به او باید از او مراقبت کنید و این کار مستلزم آن است که حتی المقذور جهان را از (درجه) چشم های او ببینید. استعاره اخلاق چونان تربیت را می توان به شکل ذیل بیان کرد:

اجتماع خانواده است
سرمدان نیازمند کمک کودکان نیازمند مراقبت اند
عمل اخلاقی تربیت است
این استعاره مستلزم آن است که عمل اخلاقی نیازمند همدلی و فداکاری باشد و این که کمک کردن به مردمی که نیازمند کمکند مسئولیتی اخلاقی است.

خود پروری اخلاقی: اگر مراقب خودتان نباشید نمی توانید از دیگران مراقبت کنید. خود پروری جزء اخلاق پرورش است. حفظ سلامتی تان، زیستن و جز این ها
اخلاق چونان پرورش اجتماعی: پرورش دو گونه است. پرورش اخلاقی افراد و پرورش اخلاقی پیوندهای اجتماعی. اگر بنا باشد اعضای اجتماع با یکدیگر همدل باشند و به یکدیگر کمک کنند، آن که طاقتهای اجتماع می ضرورتاً حفظ می شوند. این استعاره را می توان به شکل ذیل بیان کرد:

عطفهای اجتماعی کودکان نیازمند مراقبتند
عمل اخلاقی پرورش عطفهای اجتماعی است
این که پیوسته باید درباره عطفهای اجتماعی تفکر شود. این که نگهداری آن ها نیازمند از جان گذشتگی است و این که نگهداری آن ها مسئولیت اخلاقی انسان است. از استعارات این امرند:
اخلاق چونان سعادت: این استعاره بر پایه این فرض استوار است که مردم ناشاد اجتماع همدل و پرورنده نیستند، زیرا نمی خواهند دیگران شادتر از آنان باشند. بنابراین باید تا جایی که ممکن است موجبات شادمانی تان را فراهم آورد تا توانایی همدلی و پرورش تان را گسترش دهید. به شرط آن که در این فرآیند به دیگران آسیب نرسانید.

اخلاق چونان انصاف: لیبرال ها انصاف را به گونه ای استعاری بر حسب توزیع امده ماده در می یابند. توزیع منصفانه در نظر لیبرال ها سه انگوی بنیادی دارد:

۱- توزیع یکسان
۲- توزیع عادلانه قانون مند
۳- توزیع حق بنیاد

استعاره انصاف به اصالی توجه دارد که چونان لشیاه داده شده به افراد تصور می شوند. می توان یکسان، عادلانه و بر پایه قانون یا مطلق تصویری از حقوق به سود دیگران کلر کرده بر پایه آن استعاره، عمل اخلاقی (انجام دادن) عمل منصفانه به یکی از این شیوه ها است.

وشد اخلاقی: اگر فرض کنیم که اخلاق استقامت است. آن گاه یکی دانستن در چه اخلاق انسان پایداری جسمانی (لوی) همچار های در چه عمل اخلاقی را همچار های پایداری (جسمانی) قلمداد کردن و بنابر این دیدن امکان هر شد اخلاقی، مانند رشد جسمانی، طبیعی است. هنگامی رشد اخلاقی یا رشد جسمانی متفاوت است که رشد اخلاقی را در سراسر عمر انسان ممکن بنفیم.

این پنج مورد استعاراتی اخلاقی اند که به بهترین گونه با انگوی پدر یا ملخ مریی خانواده سازگارند و بر این پایه اولویت های تفکر لیبرال به شمار می آید. استعاره خویشن خواهی اخلاقی، این جا (نیز) به سان تفکر محافظه کاران، عامل ترویج ارزش هایی قلمداد می شود که این دسته از استعارات تعریف می کنند. لیبرالیسم میانه رو را نیز می توان به این محافظه کاری میانه رو توصیف کرد. البته باید در نظر داشت که این توصیف با هدف فلسفتن خویشن خواهی اخلاقی و فلسفد این استعارات به سبب فراهم آوردن ابزار یاری رساندن به جستجو جوگران خویشن خواهی ممکن است.

بازگشت به استعاره ملت
با به کار بستن استعاره ملت چونان خانواده و دولت چونان پدر یا ملخ، جهان بینی سیاسی لیبرال ها را در می یابیم.
دولت در مقام پدر یا ملخ مریی مسئول فراهم ساختن نیازهای اساسی شهروندان است. فداگرانه تمام تعلیم و تربیت مراقبت های بهداشتی.

نظارت در دست همان طور که پدر یا ملخ مریی باید از فرزندانش حمایت کند، دولت نیز باید از شهروندانش حمایت کند. نه تنها در برابر تهدیدات بیرونی، بلکه همچنین در برابر آلودگی، بیساری، محصولات نامرغوب، زبان های عمومی، ویرانی هسته ای و سوداگران بی وجدان.
هواداری از محیط زیست: ارتباط با محیط زیست جزء پرورش است. چیزی از توانایی های انسان که باید به فعلیت برسند. همدلی مستلزم همدلی با طبیعت است و دوست داشتن فرزندان مستلزم دوست داشتن نسل های آینده حمایت شامل حمایت در برابر آلودگی (نیز) می شود. همه این توجهات از هواداری از محیط زیست پشتیبانی می کنند.
لعینیسیم و حقوق هم جنس گرایان: والدینی که مسئولیت پرورش فرزندان را بر عهده دارند می خواهند همه آنان توانایی شان



را محقق سازند و بنابراین نقش دولت ایجاد نهادهایی برای ممکن ساختن این امر است.

سقط چنین زمانی که در بی سقط چنین اند با زمانی هستند که می خواهند مهار زندگی شان را در دست بگیرند یا دختران جوانی که نیاز مند یاری اند. ملاحظاتی پرورشی ایجاد می کند که شرایط سقط چنین امن و بی خطر برای هر دو صفت فراهم شود.

چند فرهنگ گرایی؛ والدین، در مقام عاملان پرورش، تقووت های میان فرزندانشان را می نمایند و بنابراین دولت ها باید تفاوت های میان شهروندان شان را استایند.

عمل ایجابی؛ از آن جا که در جامعه با زنان و اقلیت ها عادلانه رفتار نمی شود، وظیفه دولت است که آن چه می تواند انجام دهد تا مطمئن شود آنان فرصت کافی برای محقق ساختن (استعدادهای) خود در اختیار دارند.

هنر و علوم انسانی؛ دانش، زیبایی و خودشناسی جزء دستاوردهای انسانند و بنابراین دولت باید به نهادهایی که مروج این گونه های پرورش اخلاقی اند، نظارت کند.

مالیات گیری؛ درست همان طور که در خانواده پاینده به اصول پرورش کمک کردن به اعضای جوان تر و ضعیف تر وظیفه اعضای بزرگتر و نیرومندتر است، در جیلان ملت نیز یاری رساندن به کسانی که وضع مالی بدی دارند وظیفه کسالی است که وضع مالی شان خوب است و باز در این جا (نیز) توضیح می دهیم که چرا سیاست های لیبرال ها با هم سازگارند و کلیتی منسجم را می سازند؛ چگونه عمل ایجابی با مالیات گیری فراینده سقط چنین با عمل ایجابی و هواداری از محیط زیست با هم پیوسته می شوند. در ادامه این توضیح حول الگوی از خانواده، سیستم اخلاقی همراه آن و استوار ملت - جوان - خانواده می گردد.

ناهنجاری های اخلاقی

تحلیل سیستم اخلاقی امری است و نقد کردن آن امری دیگر. انتقادات از سیستم های اخلاقی غالباً دقیق نیستند زیرا از مخالفت های درونی سیستم های اخلاقی سرچشمه می گیرند. می خواهیم بگویم که نقد کردن سیستم اخلاقی بر پایه دیگر مبادی مبنای ساختاری یا تجربی - به روش های گوناگون ممکن است. من معتقدم که سخن گفتن از ناهنجاری های اخلاقی معنای است معنای آریاره سه نمونه از آن ها بحث خواهیم کرد:

۱- ناهنجاری های انحرافی؛ در این حالت انحراف از الگوی آرمانی سبب می شود تا امری که فرض بر آن بود که الگوی آرمانی به آنز کمک می کند، آسیب ببیند.

۲- ناهنجاری بنیادی؛ در این حالت سیستم اخلاقی با مبادی اش در تناقض قرار می گیرد.

۳- ناهنجاری تجربی؛ در این حالت سیستم اخلاقی به سادگی در برابر تأثیرات سودمندی که بنا بر فرض ایجاد می کند دچار خطای تجربی می شود.

باید نخست به نمونه های آسیب شناسی انحرافی بپردازیم. از آن روی که الگوهای خانواده الگوهای آرمانی اند و مردم واقعی چندان آرمانی نیستند، زندگی خانوادگی واقعی غالباً در تحقق الگوهای آرمانی ناکام می ماند. این سخن درباره الگوهای سیاسی نیز صادق است که غالباً در دستیابی به اهداف عملی شان ناکام هستند. شگفت آن که، نهادهای معتبر از الگوهای پدر کلم و پدر پامان در مقام کل گر گزار پرورش خانواده نه نمونه های آرمانی، بلکه نمونه های دست نا یافتن به (الگوی) آرمانی را ارائه می کنند. در ازای هر یک از این نهادهای نقدی، متناظر درباره نارسایی های لیبرالیسم و محافظه کاری وجود دارد. ممکن است والدین به طریقی الگوی پدر پامان در مقام کار گزار پرورش و انباشتهای کار بزنند.

حمایت بیش از اندازه، هنگامی که والدین نمی توانند خوشبینی در پی مسئولیت پذیری و خودتکالی را از راه بیونهای میان فردی، حمایت و اطمینان به فرزندانشان تعلیم دهند.

فداکاری؛ هنگامی که پدر پامان بسیار فداکار نمی تواند از خود مراقبت کند و نتایجش نمی تواند به گونه ای شایسته (فرزندان را) پرورش دهد.

لذت باوری؛ هنگامی که پرورش سعادت از خدمت به همدلی و پرورش سرباز می زند و فی نفسه هدف می شود و منابع ضروری پرورش را تهی می سازد.

شگفت آن که، هر یک از این ها با استنادهای کلاسیک محافظه کاران از لیبرالیسم، همخوان است. هنگامی که دولت به مردم کمک می کند بی آن که مطمئن باشد آنان امکان منکی به خودشان را دارند، حمایت بیش از اندازه معنای می یابد. هنگامی که دولت بسیار زیاد هزینه می کند زیر بار فرض می رود و به هیچ روی نمی تواند بسیار زیاد به مردم کمک کند، از چنان گذشتگی معنا می یابد لذت باوری یعنی برای راحتی کتبی خود و انحرافی کردن و به آینده نیندیشیدن.

همچنین الگوی پدر کلم را نیز می توان به روش های گوناگون

اشتباهای کار برد

چون به بسیار سنگین هنگامی که خواسته های عادی، ضروری قلمداد می شوند که باید با مجازات همراه شوند یا هنگامی که مجازات بسیار سنگین است و همراه با زین.

فرقار مرجع گون؛ هنگامی که قوشین بدون دلایل قلع کنند و بدون توضیح و بحث مناسب وضع می شوند.

زین یاد بردن؛ هنگامی که هدف ایجاد خودتکالی از یاد رفتن است و نتایج زین یاد برد.

خودخواهی؛ هنگامی که نریزیدن به مراقبت به بهانه ایجاد خودتکالی از خودخواهی چشم می پوشند.

این ها با انتقادات مشترک لیبرال ها از محافظه کاران همخوانند. خلاصه آن که می توان هر دو الگو را اشتباهای کار برد بسیاری از انتقاداتی که به این الگوها وارد می شود در واقع انتقاد از کار برد اشتباه این الگوها هستند. آیا این انتقادات منصفانه اند؟ آری و نه نه.

از آن روی که انتقاد از الگوهای آرمانی فی نفسه نیستند، آری، از آن روی که آن الگوهای آرمانی را افراد عادی باید به کار بزنند، که در بسیاری از موارد دچار اشتباهات می شوند. گرچه ناهنجاری فحرافی، آشکارا هم در سیستم اخلاقی خانواده لیبرال ها رخ می دهد و هم در سیستم اخلاقی خانواده محافظه کاران.

ناهنجاری بنیادی و تجربی، تا آن جا که نوانستام بگویم، تنها در سیستم اخلاقی خانواده لیبرال محافظه کاران رخ می دهد. استعارات انتزاعی اخلاق در سیستم اخلاقی تجربی ریشه دارند. اخلاق پدر پامان در مقام کار گزار پرورش، در بر دارنده ویژگی ساختاری است که تضمین می کند که اخلاق تجربی مهم تر (از دیگر اخلاق ها) نیستند؛ یعنی، تضمین می کند که همدلی اخلاقی در آن سیستم اخلاقی بیشترین اهمیت را دارد. این تصور که اخلاق همدلی است مستلزم آن است که شما آن چه را دیگران احساس می کنند احساس کنید؛ بنابراین پاینده اخلاق تجربی خواهد بود زیرا با همدلی خودتان همه تأثیرات زین یاد برد و رفتار تان با دیگران را تجربه خواهید کرد.

اما همدلی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اصول اخلاقی والاترین اصل اخلاقی پدر کلم نیست. در عروضا قدرت اخلاقی والاترین اصل آن است و همدلی اخلاقی کمترین. در اتمهای سیاه اصول این اخلاق جای دارد ولی این استعاره که اخلاق قدرت است تقریباً همیشه اهمیت یا متن اخلاق تجربی را فراهم می سازد. اخلاق پدر کلم به فرد اجازه می دهد تا بر پایه این

اخلاق پدر پامان هر بی و اخلاق پدر کلم را می توان درمان کرد. راه نزدیک شدن هر چه ممکن به الگوهای آرمانی و دوری از فحرافی ناهنجاری، ولی ناهنجاری های بنیادی و تجربی اخلاق پدر کلم و از این روی محافظه کاری، ذاتی اند و نمی توان درمان شان کرد. این ناهنجاری ها اخلاق پدر کلم را به یک سیستم اخلاقی ذاتاً ناهنجار تبدیل می کنند.

اکنون، طرح مسئله همب گذاری شهر لو کلاهما بسیار مهم است. در این حادثه بیش از صد فرد بالغ و چندین کودک که به دست محافظه کاری تندرو که خود را دشمن «ناخالص» دولت فدرال

فرزندگی شهروندان می دانستند کشته شدند. آیا محافظه کاران و نظریه پردازان محافظه کار مسئولیت آن همب گذاری را بر عهده می گیرند؟ پاسخ گری، آل. پاتر، رئیس شعبه پژوهش های خانواده، که در زمره محافظه کاران دینی است، این استدلال خیرنامه انجمن پژوهش های خانواده، ۲۲ مه ۱۹۹۵، «از میان ما چه کسی می تواند هواداری بسب گذاری شهر لو کلاهما را تصور کند؟»

صدها هزار نقری که در خفا به تعلیم و تربیت فرزندانشان می پردازد یا میلیون ها آمریکایی که با مالیات های سنگین مخالفند چه کرده اند که باید با تبهکاری که در ساختمان فدرال همب گذاری کردند سر و کار داشته باشند؟»

گری پتر و دیگر دست راستی ها در موضع افکارند. انجمن پژوهش های خانواده اخلاق پدر کلم را ترویج می کند. الگو پدر کلم خانواده است که در جامعه استعاره همه جا حاضر ملت - جوانان - خانواده آزدگی از همدانخانه دولت و بیزاری محافظه کاران از دولت را نهج می کند. کار برد خوب شدن داری و فداکاری در پرورش کودک است که سبب خشم محافظه کاران (کودکان فاقد امنیت عاطفی - از دولت) می شود. وقتی هر روز به دهها میلیون نفر از مردم می گویند که اخلاق پدر کلم تنها اخلاق است و خشمشان موجه است، نتیجه تنها به (شکل گیری) نظریات راست گرایی که مجهز به سلاح های خودکلند و بر خوردار از توانایی همب سازی و مخدود نمی شود بلکه عقبت آن خشم (درونی) خود را (مانند حادثه لو کلاهما) آشکار می سازد. (ماده) شهر لو کلاهما

(به ما) می آموزد که اخلاق پدر کلم مسئول اصلی آن عمل حرکت ناپذیر است. گری پتر های این کشور، که اخلاق پدر کلم را ترویج می کنند، بار اخلاقی سنگینی بر دوش دارند و همین طور بیشتر لیبرال ها، که قلمروهای اخلاق و خانواده را به محافظه کاران واگذار کرده اند.

اگر این تحلیل درست یا حتی قریب به صحت باشد، آن گاه نتیجه های عظیم در پی خواهد داشت. لیبرال ها عامل وحدت جهان بینی شان را در نمی یابند و بنابراین نمی توانند با محافظه کاری به گونه ای موثر رقابت کنند. لیبرال ها نه تنها ساختار سیاسی یکپارچه ندارند بلکه از ادبیاتی بسیار موثر که در برابر ادبیات منسجم محافظه کاران پایبند (نیز) محرومند. محافظه کاران، بر خلاف لیبرال ها، به دقت اصطلاحات و تصوری (مناسب) را ساخته و تکرار کرده اند که به قلموس جامعه راه یافتند. لیبرال ها باید از (مرحله) انتلاف گروه های هم سو فراتر روند تا بتوانند با ساختن آگاهانه زبان و تخیل یکپارچه، جهان بینی شان را (به دیگران) انتقال دهند. این کار، آسان نخواهد بود و آنان ۳۰ سال عقبند. اگر این تحلیل درست باشد نه تنها سیاست معاصر، بلکه پژوهش طویل المدت فلسفی درباره سیستم های اخلاقی نیز تحت تأثیر قرار می گیرد.

من استدلال کرده ام که شاید مهم ترین بخش هر سیستم اخلاقی واقعی، سیستم استعارات اخلاق و ارجح دانستن برخی استعارات باشد. آن گاه (می توان ادعا کرد که) استدلالات سرنوشت ساز سیاسی با استفاده از آن استعارات انجام می شوند - و معمولاً ناآگاهان - همان گونه که مارک جاسن استدلال کرده است، در اخلاق و نظریه اخلاقی باید جایگاهی مناسب به مطالعه تجربی تفکر استعماری داد.

عاقبت آن که این تحلیل تأثیراتی مهم بر پژوهش اجتماعی می گذارد. در این روزها پژوهش اجتماعی در پی پژوهش تجربی درباره سیستم های مفهومی که در درون علم شناختی به طور اعم و زبان شناسی شناختی به طور خاص به کار می روند نیست. تفکر شناختی، مانند تفاسیر ارائه شده در این نوشتار، متداول نیستند، در عوض، این تفاسیر بر پایه اقتصاد با طبقه اجتماعی (یا الگوی عملکرد عقلانی) با الگوهای قدرت ارائه شده اند. ما می توانیم که مطالعه سیستم های مفهومی ابزار اصلی تفاسیر در پژوهش اجتماعی است. با الهام از بسیاری مهم در موضع کنونی، ما که نمی توان نادیده اش گرفت.

توجه محمد محقق نیشابوری

منبع: Social Research, volume in the summer 1995, no. 2

لیبرال ها نه تنها ساختار سیاسی یکپارچه ای ندارند بلکه از ادبیاتی بسیار موثر که در برابر ادبیات منسجم محافظه کاران پایبند نیز محرومند

اصول انتزاعی استعماری که اخلاق قدرت است به دیگران آسیب رساند. خلاصه آن که اخلاق پدر کلم به شما اجازه می دهد تا به بهانه اخلاق به مردم صدمه بزنید. این اخلاق، اخلاق تجربی را که بنیاد هر سیستم اخلاقی انتزاعی است، زیر پا می گذارند.

عاقبت آن که، اخلاق پدر کلم دارای ناهنجاری تجربی است. این اخلاق ذاتاً الگویی است درباره خانواده که بر پایه تجربه اندوخته های را درباره پرورش کودکان مطرح می کند. هواداران این اخلاق می گویند که راه منکی به خود بسیار آوردن کودک و مسئولیت پذیر ساختن او دو قبال دیگران خوشن داری و فداکاری است. اگر فرزندتان نیمه شب فریاد بکشد و چیزی بخواهد، شما او را بیدار نمی کنید؛ به او توجه نمی کنید و با او بازی نمی کنید. اگر چنین کنید، او را لوس می کنید و وابسته و بی نظم می سازید و بنابراین نمی گذارید منکی به خود خوشن داری و مسئول بار آید. در واقع، مطالعات مهم تجربی درباره پرورش کودک در سیستم پنج سال گذشته دقیقاً عکس این مطلب را اثبات می کنند. کودکانی که به آنان آموزش داده اند از آنان مراقبت کرده اند و به هنگام نیاز با آنان بازی کرده اند به احتمال زیاد بیش از کودکانی که نادیده انگاشته می شوند یا به هنگام خواستن چیزی تشبیه می شوند منکی به خود و از حیث اجتماعی مسئولند. این کودکان را «هنجار» می نامند. کودکان ناهنجار، که نادیده انگاشته می شوند یا به سبب درخواست چیزی تشبیه می شوند، بیشتر ممکن است که به رفتار ضد اجتماعی دست بزنند و خشم درونی (شان) را نشان دهند.

خلاصه آن که، مهم ترین لذت الگویی پدر کلم خانواده کلاً نادیده است و عمل به زبان کودکان، در واقع، اگر هواداران محافظه کاری در خانواده های بزرگ شده اند که از امنیت عاطفی در آن ها خبری نیست و الگوی اخلاقی شان، اخلاق پدر کلم است. آن گاه دلیل خشم محافظه کاران از دولت و او را تعلیم دانه خشم محافظه کاران از دولت خشم کودکان فاقد امنیت عاطفی از دست والدینشان، به ویژه پدرشان است. اصولاً ناهنجاری های فحرافی

